

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

محمود محمدی^۱



[10.22034/ssvs.2023.2917.3127](https://doi.org/10.22034/ssvs.2023.2917.3127)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵

امروزه طلاق، یکی از مهمترین تهدیدکننده‌های نظام خانواده به شمار می‌آید. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که نگرش به طلاق در زنان و جوانان در حال تغییر است. تغییر نگرش زنان به طلاق موجب افزایش طلاق در سال‌های اخیر در جامعه ایران شده است. این مقاله به بررسی ادراکات و نظرات دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از طلاق می‌پردازد. روش تحقیق از نوع کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی است. نمونه‌های مورد بررسی، ۳۱ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان هستند. اظهارات دانشجویان از طلاق در چهار مضمون مجاز در اسلام، رهایی و نجات، راه حل منطقی و مانع آسیب، دسته‌بندی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که ادراکات و تصورات دانشجویان از طلاق نسبت به گذشته تغییرات قابل توجهی داشته است. آنها معتقدند که در اسلام طلاق مجاز است. نمونه‌های مورد بررسی، طلاق را رهایی و نجات از مشکلات زندگی مشترک می‌پندارند. از نظر آنها طلاق آخرین راه حل منطقی می‌تواند باشد. در نهایت دانشجویان تصور می‌کنند طلاق و جدایی مانع آسیب‌های بیشتر به زوجین و فرزندانشان می‌شود.

واژگان کلیدی: ادراک، طلاق، دانشجویان و پدیدارشناسی.

E-mail: M.mohamadi@cfu.ac.ir

^۱ استادیار، گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

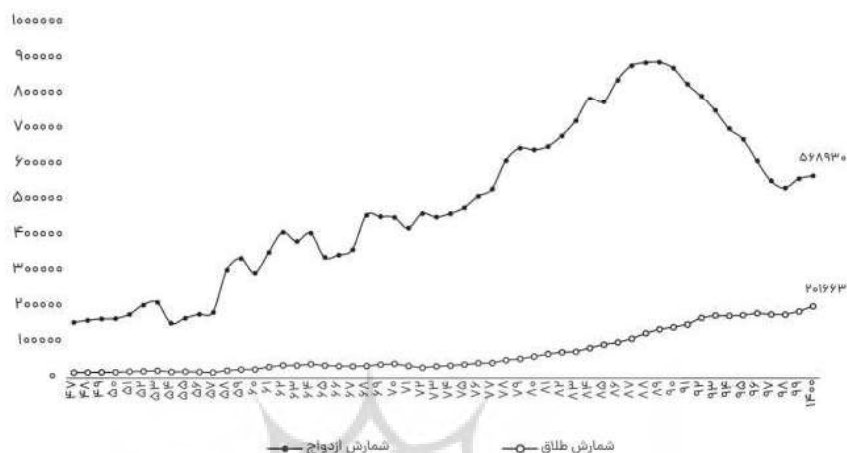
مقدمه

از مهمترین تغییرات در حوزه خانواده در بیشتر جوامع امروزی، افزایش طلاق و تغییر نگرش به طلاق است. طلاق به گونه‌ای گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج با شروط و مقرراتی گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۷۹: ۱۶۹). به عبارت دیگر، طلاق به انحلال قانونی پیوند ازدواج اطلاق می‌گردد. طلاق، یکی از مهمترین مسائل اجتماعی است که طی دهه‌های اخیر خانواده‌های ایرانی را متلاشی می‌کند- اگر چه افزایش طلاق مختص خانواده‌های ایرانی نیست و در اغلب جوامع، تحول نظام ارزشی و ساختاری به افزایش طلاق در سطح جهان منجر شده است. در طی پنجاه سال گذشته در جوامع غربی افزایش خیره‌کننده طلاق و روند رو به رشد آن به حدی بوده است که برخی متفکران اجتماعی از واژه‌هایی مانند «عصر طلاق» (اوپنهایم ماسون و جنسن^۱، ۱۹۹۵) و «انقلاب طلاق» (وایتزمن^۲، ۱۹۸۵) برای توصیف این دوران استفاده نمودند. به اعتقاد جامعه‌شناسان، تبدیل طلاق به مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل شدن از یک رفتاری شخصی و خصوصی به یک مسئله عام ساخت اجتماعی است و زمانی به منزله مسئله اجتماعی مطرح می‌شود که از حد معینی خارج و فراوانی آن غیرمتعارف شود (محبی، ۱۳۹۱). در دو دهه گذشته، افزایش طلاق در ایران شدت بیشتری یافته است. (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۰)؛ به‌طوری که آهنگ رشد طلاق در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سریع‌تر بوده است. میزان طلاق از سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ از ۰/۹۳ در هر ۱۰۰۰ ازدواج به ۱/۹۰ افزایش یافته است. در سال‌های اخیر نیز رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است؛ به‌طوری که از سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ به‌طور مداوم با افزایش رشد طلاق نسبت به رشد ازدواج روبه‌رو هستیم. بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال در سال ۱۳۹۵ به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰، ۱۹ طلاق و در سال ۱۳۹۵، ۲۱ طلاق ثبت شده است (فولادیان، شجاعی قلعه‌نی، ۱۳۹۹: ۲۳۳).

¹ Oppenheim Mason & Jensen

² Weitzman

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)



روند ثبت ازدواج و طلاق طی ۵۰ سال اخیر در ایران (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۰)

افزایش طلاق پیامدهای فردی و اجتماعی قابل توجهی به همراه دارد. از میان مشکلات اجتماعی، هیچ یک به اندازه طلاق آثار بلندمدتی ندارد (کلانتری و همکاران، ۱۳۲: ۱۳۹۰). در پژوهش‌های متعددی نیز بین طلاق و افزایش آسیب‌های اجتماعی نظیر روسپی‌گری، فقر، آسیب‌های روانی و انحرافات جنسی (اماتو و کیث، ۱۹۹۶؛ اماتو و دنیس، ۲۰۰۳، کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰ و روشنی و همکاران، ۱۳۹۸) و در سطح کلان‌تر کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی، تغییرات نهاد خانواده، افول تعهد اجتماعی و پیدایش هویت‌های سیال، پراکنده و مبهم را به دنبال دارد (محمدپور، ۱۳۹۳: ۱۳۸). افزایش طلاق و آسیب‌های پیش روی آن بر فرد و جامعه موجب شده که پس از اعتیاد بالاترین تعداد پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۴ را به خود اختصاص دهد (موسوی، ۲۹۲: ۱۳۹۵).

مطالعات مربوط به طلاق اغلب به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وقوع طلاق پرداخته‌اند (ملفت و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیروزجاییان گلوگاه و همکاران، ۱۳۹۷؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۶؛ زارعان و سدیدپور، ۱۳۹۶؛ عرب و همکاران، ۱۳۹۳؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰) و یا پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و روانی طلاق بر افراد مطلقه و فرزندان‌شان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. (اماتو، ۲۰۰۰؛ روشنی و همکاران، ۱۳۹۸ یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰، صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱) در این میان، تحقیقات کیفی کمتری (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵) به ادراکات و معناهای ذهنی گروه‌های اجتماعی مختلف از جمله زنان و جوانان نسبت به طلاق پرداخته‌اند.

برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش به طلاق به خصوص در میان زنان و جوانان در حال تغییر است. (صادقی، ۱۳۹۶؛ سلیمانی، ۱۳۹۶؛ حسنی و همکاران، ۱۳۹۶؛ فلاحتی گیلان و همکاران، ۱۳۹۱؛ فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵؛ بگی و حسینی، ۱۴۰۰) بسیاری از محققان اجتماعی معتقدند که نگرش مثبت به طلاق می‌تواند بر کاهش کیفیت زناشویی و احتمال بروز طلاق در زندگی همسران نقش مهمی داشته باشد (روتالو و کاسرو، ۲۰۱۶، دیاز و همکاران، ۲۰۱۳، کوان و همکاران، ۲۰۱۳ ویتون و همکاران، ۲۰۱۳، صادقی، ۱۳۹۶؛ چابکی، ۱۳۹۲). تحولات ذهنی، ارزشی و نگرشی همچون گسترش ارزش‌های لیبرالی و فردگرایی، گذار از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی و همچنین اشاعه تفکرات فمینیستی (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶؛ علی مندگاری و همکاران، ۱۳۹۵) به همراه دگرگونی در وضعیت تحصیلات و اشتغال و گسترش فضای مجازی و تسهیل دسترسی به ارتباطات و اطلاعات موجب افزایش عاملیت^۱ و کنشگری زنان در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی شده است (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸) حوزه خانواده، یکی از مهمترین حوزه‌هایی است که زنان در آن خواهان تغییر و توزیع قدرت برابر میان زنان و مردان هستند. تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهند تقویت ارزش‌های مبتنی بر فردیت و برابری طلبانه و معنای جدید از خوشبختی انتظارات زنان را از زندگی خانوادگی تغییر داده است. گرایش زنان به ارزش‌های فردگرایانه و برابری طلبانه سبب دوری از هنجارهای خانواده سنتی و تعریفی متفاوت از هویت زنانه شده است (گودرزی، ۱۳۹۴). تحولات رخ داده موجب بازاندیشی^۲ زنان نسبت به نقش‌های جنسیتی، ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری و طلاق شده است. آنها خواهان کنشگری فعال‌تر و عاملیت در عرصه خانوادگی هستند. عاملیت زنانه به معنای فرا رفتن از سطح واکنش و ورود به قلمرو تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شخصی برای خود است (عرب خراسانی، ۱۳۹۸: ۳۷-۳۸). در این میان، طلاق به یکی از قلمروهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی زنان تبدیل شده است. بر اساس تحقیقات، زنان معمولاً در اقدام به جدایی و گرفتن طلاق پیش قدم هستند (موسوی، ۱۳۹۵: ۲۸۹) و کنشگری و عاملیت بیشتری در عرصه خروج از زندگی خانوادگی دارند. برخلاف زمان‌های نه چندان دور که سهم زنان در جدایی بسیار کم بود و آنان بیشتر مخاطب این واقعه ناخوشایند بودند، اکنون زنان در این حوزه کنشگرانی فعالی هستند (عرب خراسانی، ۱۳۹۸: ۵۵).

بدین ترتیب، افزایش تحصیلات زنان به همراه اشتغال آنان در نظام اقتصادی و استقلال اقتصادی و مالی آنان در جامعه و همچنین گسترش فضای مجازی و تسهیل دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، افزایش فردگرایی به همراه آشنایی با تفکرات فمینیستی و گذار از نیازهای مادی به نیازهای فرا مادی در ازدواج باعث

¹ Agency

² Reflexivity

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

شده است نگرش زنان نسبت به طلاق تغییر یابد. تحقیقات متعددی این تغییر نگرش زنان به طلاق را تایید می‌کنند.

پیشینه پژوهش

بگی و حسینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران» به این نتیجه رسیدند که تفاوت معنی‌داری در نگرش نسل‌های مختلف به طلاق وجود دارد. نسل‌های جوان‌تر در همه سنین نگرش مثبت‌تری به طلاق دارند. تحصیلات دانشگاهی، ارزش‌های سکولار، برابری جنسیتی و ارزش‌های مدرن خانواده بر نگرش آنان به طلاق تاثیر می‌گذارد. انتظار می‌رود با ادامه روند جایگزینی نسلی و نیز شتابی که در پدیده‌هایی همچون شهرنشینی، جهانی‌شدن فرهنگی، گسترش آموزش، توسعه فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، گسترش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، روند رو به رشد نگرش مثبت به طلاق همچنان تداوم یابد.

نتایج پژوهش مرادی و فرخی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مطالعه موردی: زنان متأهل اسلام‌آباد غرب)» نشان می‌دهد مهمترین عوامل موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق، تفاوت عقاید، کاهش یا افزایش سن، درآمد و اشتغال زنان و دخالت دیگران هستند.

صادقی و آقاجانیان (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «نگرش و گرایش به طلاق در ایران: تعیین‌کننده‌های ذهنی و ساختاری»، به بررسی نگرش و تمایل جوانان ایرانی به طلاق پرداخته‌اند. داده‌های این تحقیق حاکی از آن است که تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان طلاق را به عنوان راه حل مشکلات زناشویی تایید کرده‌اند و یک پنجم آنها تمایل بالایی در این زمینه دارند. نتایج آنان نشان می‌دهد که تایید و تمایل زیاد به طلاق با عوامل ذهنی یعنی فردگرایی سکولاریسم و دیدگاه برابری جنسیتی و عوامل ساختاری از جمله تحصیلات و اشتغال همسر و عدم امنیت اقتصادی خانوار ارتباط معنی‌داری دارد.

کریمی و البرزی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به طلاق در شهر شیراز» نشان می‌دهند که تصور مثبت از طلاق مهمترین متغیر تاثیرگذار بر گرایش به طلاق است. عوامل دیگری چون رضایت جنسی و عاطفی، دخالت اطرافیان و جنسیت بیشترین تاثیر را بر گرایش به طلاق داشته‌اند.

صادقی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نگرش نسبت به پیامدهای طلاق و تاثیر آن بر تمایل زوجین جوان به طلاق در شهر تهران» نشان می‌دهد که ارزیابی جوانان از زندگی بعد از طلاق می‌تواند تمایل به طلاق را تحت تاثیر قرار دهد. حدود یک پنجم جوانان متأهل مورد بررسی تمایل زیادی به گرفتن طلاق دارند. این افراد عمدتاً تصور و ارزیابی مثبتی از پیامدهای و زندگی بعد از طلاق دارند. صادقی در این تحقیق

نتیجه می‌گیرد که اینکه زوجین جوان چه تصور و نگرشی نسبت به پیامدهای و زندگی بعد از طلاق داشته باشند می‌تواند تصمیم‌گیری آنها برای طلاق را به شدت تحت تاثیر قرار دهد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶) در «فرا تحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴» به این نتیجه رسیدند که نگرش مثبت به طلاق روندی نسبتاً فزاینده و رو به رشد را نشان می‌دهد. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد سطح بالای تحصیلات، استفاده از اینترنت و داشتن ماهواره، طبقه اجتماعی سطح بالا، تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی همسران، تعارض در خانواده، کم رنگ شدن نقش اقتصادی مرد و کوچک بودن ابعاد خانواده از عوامل موثر در نگرش مثبت به طلاق هستند. آنها این روند را محصول تسلط فردگرایی و لیبرالیسم، کاهش کنترل نهادی، غلبه ارزش‌های فوق مادی، سبک زندگی مدرن، ورود زنان به بازار کار و عدم تعادل هزینه فایده ازدواج است.

صادقی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی ادراک جوانان از تجربه طلاق: مطالعه کیفی در شهر تهران»، به واکاوی ادراک و تجربه جوانان مطلقه از فرایند و پیامدهای طلاق پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها در چهار محور دلایل و بسترهای طلاق، نگرش به طلاق قبل و بعد از اقدام، مسائل و چالش‌های فرایند طلاق و پیامدها و مسائل اجتماعی بعد از طلاق ارائه شده است. بر اساس نتایج تحقیق، آسیب‌پذیری زنان در فرایند طلاق بیشتر از مردان است. زنان در مقایسه با مردان از مسائل عاطفی اجتماعی و اقتصادی بیشتری رنج می‌برند. طلاق امری فرایندی، بافتارمند و چندبعدی است. رخداد طلاق در خلا شکل نمی‌گیرد، بلکه در یک بافتار اجتماعی فرهنگی رخ می‌دهد که هم فرایندها و هم پیامدهای طلاق را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

نتایج تحقیق فروتن و میرزایی (۱۳۹۵) با عنوان «نگرش به طلاق و تعیین‌کننده‌های آن در ایران» نشان می‌دهد که به طور کلی یک سوم افراد مورد مطالعه دارای نگرش مثبت به طلاق هستند. متغیرهای جمعیت‌شناختی (همچون سن و جنس و وضعیت تاهل و محل سکونت و تحصیلات)، نگرش‌های جنسیتی و میزان دینداری افراد بر نگرش به طلاق تاثیر می‌گذارد؛ به طوری که نتیجه می‌گیرند هرچه نگرش‌های فردگرایانه و لیبرالی و غیرسنتی برجسته‌تر و قوی‌تر باشد، بر شدت نگرش مثبت به طلاق نیز افزوده می‌شود. چابکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه بین‌نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران» نشان می‌دهد که تغییر نگرش زنان در مورد کارکردهای خانواده بر طرز تلقی آنها نسبت به طلاق تاثیر گذاشته و در نتیجه سبب افزایش میزان طلاق در ایران شده است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد ارزش‌های مرتبط با نقش‌های خانوادگی و کارکردهای خانواده در میان زنان نسل جدید دستخوش تغییر شده است. طرز تلقی زنان نسل جوان از طلاق متفاوت از نسل گذشته است؛ به طوری که از نظر ۶۸ درصد از زنان نسل جدید، طلاق امری مذموم و ناپسند به شمار نمی‌آید.

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

نتایج تحقیق فلاحی گیلان، روشنفکر و پورکسمایی (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی بین‌نسلی نگرش به طلاق؛ مطالعه ای در استان زنجان» نشان می‌دهد که نگرش به طلاق در بین نسل‌ها متفاوت است. این تفاوت در نگرش به طلاق در بین زنان معنادار و مشهودتر از مردان است. این تغییر نگرش زنان به طلاق ناشی از تغییرات حاصل شده در نقش زنان در زندگی اجتماعی آنان است. موافقت نسل‌های جدید با سنگینی صدمات عاطفی ناشی از طلاق و ارجحیت زندگی زناشویی دشوار به طلاق کاسته شده و بر بی‌موردی اغلب مخالفت‌های اجتماعی با طلاق اجماع بیشتری شده است.

با توجه به اینکه زنان در زندگی خانوادگی از آغازکنندگان طلاق هستند (عرب خراسانی، ۱۳۹۸، موسوی، ۱۳۹۵) بررسی ادراکات و تصورات و ذهنیت زنان و دختران از طلاق می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد، زیرا طلاق یک کنش اجتماعی معنادار با پس‌زمینه اجتماعی است. تحقیقات پیشین اغلب به شیوه کمی آماری و مقایسه نسل‌های قدیم و جدید، به بررسی نگرش زنان و جوانان به طلاق پرداخته‌اند. اگر چه مطالعات و پژوهش‌های بین‌نسلی نشان می‌دهند که نگرش به طلاق میان نسل‌های گذشته و جدید تغییر یافته و نگرش زنان به طلاق نسبت به مردان تغییرات معناداری داشته است، اما شیوه‌های آماری و کمی و تطبیقی بین‌نسلی از درک و فهم عمیق و همدلانه از تغییرات معنایی که در ذهنیت جامعه زنان رخ می‌دهد، ناتوان است. بنابراین استفاده از شیوه‌های کیفی برای آشنایی و درک دقیق و واقع‌بینانه‌تر از وقایع اجتماعی همچون طلاق می‌تواند تکمیل‌کننده پژوهش‌های کمی باشد. چنانچه نظام معنایی و تفسیری زنان و دختران جوان از طلاق درک شود، نه تنها درک و ذهنیت نسل جوان از طلاق شناخته می‌شود بلکه می‌تواند سیاست‌های لازم برای مدیریت و اصلاح آن را فراهم سازد. بر این اساس، هدف این مقاله مطالعه و تحلیل ادراکات، نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان از طلاق است. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بخشی از جامعه زنان و بخشی از نسل جدید زنان و دختران جوان به حساب می‌آیند. بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها و نظرات و معنا‌های ذهنی آنان، فهم دقیقی از رویکرد نسل جدید زنان نسبت به طلاق را شناسایی می‌کند. از سوی دیگر، این بخش از دانشجویان در سال‌های آینده به عنوان معلم در کلاس‌های درس به آموزش و تدریس خواهند پرداخت و بدین‌ترتیب باورها و نگرش‌ها و ادراکات و ذهنیت‌هایشان از ازدواج، تشکیل خانواده و طلاق را در قالب برنامه درسی آشکار و پنهان به نسل‌های آینده انتقال خواهند داد. بدین ترتیب این مقاله در پی پاسخ به این سوال است:

دانشجویان دختر دانشگاه چه درکی از طلاق دارند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مقاله از نوع کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. روش تحقیق کیفی مدعی توضیح زیست‌جهان‌ها از درون و از دیدگاه کسانی است که در آنها مشارکت دارند و با این کار در پی کمک

به درک بهتر واقعیت‌های اجتماعی است. پژوهش کیفی اغلب تصویری عینی‌تر و باورپذیرتر از به کارگیری پرسش‌نامه‌های استاندارد از پیش تعیین شده از زندگی روزمره افراد ارائه می‌کند (فیلیک، ۱۴:۱۳۹۷). رویکرد پدیدارشناسی اغلب روی ادراکات متمرکز است و تلاش دارد فهم بهتری از چگونگی نمود جهان نزد مشارکت‌کنندگان و کیفیت تجربه و دریافت جهان توسط آنها از منظر خودشان ارائه دهد (محمدی اصل، ۱۷۹:۱۳۹۶).

نمونه‌های مورد پژوهش از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان البرز هستند. تعداد نمونه‌ها نیز بر اساس اصل اشباع نظری (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳) تعیین شدند؛ یعنی جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی که اظهارات نمونه‌ها از طلاق به تکرار نرسیده بود، نمونه‌گیری ادامه یافت. بر این اساس ادراکات، نظرات و دیدگاه‌های ۳۱ نفر از دانشجویان دختر در مورد طلاق جمع‌آوری شد. سن پاسخگویان بین ۱۹ تا ۲۳ سال بوده است.

جدول ۱: مشخصات سنی و استان محل سکونت نمونه‌های مورد بررسی

پاسخگوی	سال	استان	پاسخگوی	سال	استان
۱	۲۰	البرز	۱۷	۱۹	البرز
۲	۱۹	اردبیل	۱۸	۲۰	کردستان
۳	۲۱	آذربایجان غربی	۱۹	۲۰	آذربایجان شرقی
۴	۲۰	آذربایجان شرقی	۲۰	۱۹	البرز
۵	۱۹	البرز	۲۱	۲۰	البرز
۶	۲۰	آذربایجان غربی	۲۲	۲۰	زنجان
۷	۲۳	آذربایجان غربی	۲۳	۲۱	زنجان
۸	۱۹	البرز	۲۴	۲۰	البرز
۹	۲۱	قزوین	۲۵	۲۱	آذربایجان شرقی
۱۰	۲۰	گیلان	۲۶	۲۰	آذربایجان غربی
۱۱	۲۳	گیلان	۲۷	۲۰	البرز
۱۲	۱۹	گیلان	۲۸	۲۰	قزوین
۱۳	۲۰	البرز	۲۹	۲۱	آذربایجان شرقی
۱۴	۱۹	کردستان	۳۰	۲۲	زنجان
۱۵	۲۳	آذربایجان غربی	۳۱	۲۱	آذربایجان شرقی
۱۶	۲۳	آذربایجان غربی			

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. در روش‌های کیفی معمولاً با نتایج مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کار می‌کنند. از آنجا که پژوهش کیفی می‌کوشد محقق را به درون جهان زندگی مشارکت‌کنندگان تحقیق وارد سازد، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاری به واسطه تأکید بر سوالات باز و غیرهدایت‌شده می‌تواند مورد استفاده چنین پژوهشی قرار گیرد (محمدی اصل، ۱۳۹۶: ۱۷۱). مصاحبه با هر کدام از دانشجویان در حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه انجام شد. از دانشجویان خواسته شد تا تصورات و نظرات و دیدگاه‌هایشان را نسبت به طلاق بیان کنند. دانشجویان در مصاحبه‌ها به بیان نظرات، دیدگاه‌ها و تصورات خود از طلاق پرداختند.

روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون است. تکنیک تحلیل مضمون، یکی از فنونی است که به طور گسترده در تحقیقات کیفی به کار می‌رود. از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. این روش فرایندی است که داده‌های متنی و پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (براون، کلارک، ۲۰۰۶). در این روش، شناخت ویژگی‌های مشترک داده‌ها مورد توجه است. هدف این روش تنها بررسی تکرارها و موارد مشابه نیست، بلکه مهم شناسایی الگوهایی از معناست که محقق درباره موضوع خاص و سوال تحقیق آن را بررسی می‌کند. دریافت الگوهای معنایی مسلط در داده‌ها، هدف اصلی این روش پژوهش است. این روش به دنبال فشرده‌کردن و ارائه روایتی موجز از مصاحبه‌های فردی و گروهی به صورت خام و پردازش‌نشده است. همانگونه که یک محقق کمی از ضرایب و آزمون‌های آماری برای فشردن و ارائه خلاصه داده‌ها استفاده می‌کند، در روش کیفی نیز این روند به کمک کدگذاری و مضمون‌سازی صورت می‌گیرد و فرایند فشرده‌سازی به معنای استخراج ایده‌های اصلی و الگوبندی آنهاست (ذکایی، ۱۳۹۹: ۸۵).

فرایند تحلیل مضمون با کدگذاری^۱ روایت‌ها آغاز می‌شود. کدگذاری به معنای خرد کردن روایت‌ها به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده آن است (استروس و کوربین، ۱۳۹۳: ۶۱). کد به مفاهیم، اصطلاحات و عبارت‌هایی گفته می‌شود که دانشجویان برای توصیف موضوع مورد پژوهش به کار برده‌اند. بدین ترتیب پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها، روایت‌های دانشجویان کدگذاری شد. پس از کدگذاری روایت‌ها، تلاش شد کدهای مشابه در یک مضمون^۲ مشخص طبقه‌بندی شوند. مضمون مفهومی با سطح انتزاع گسترده‌تر از کدهاست. وقتی که کدها با یکدیگر مقایسه می‌شوند و به نظر می‌رسد که به مضمون مشابه مربوط‌اند، در نظم بالاتر دسته‌بندی می‌شوند. مضمون، مفهومی است که از سایر کدها انتزاعی‌تر است و بر اساس مضامین اصلی استخراج‌شده ارائه گردیده است. بر این اساس میتوان فرایند تحلیل داده را بدین شکل نشان داد:

^۱ Coding

^۲ theme



لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) در پژوهش‌های کیفی معیارهای چون: اعتمادپذیری^۱، باورپذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳، اطمینان‌پذیری^۴ و تاییدپذیری^۵ را به جای روایی^۶، پایایی^۷ و عینیت^۸ پیشنهاد می‌کنند (به نقل فلیک، ۱۳۹۳: ۴۲۰). به منظور اعتمادپذیری، باورپذیری و انتقال‌پذیری مضامین و کدهای استخراج‌شده، از ۶ نفر از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان کمک گرفته شد. آنان پس از مرور کدها و مضامین بیان داشتند که مضامین استخراج‌شده به نوعی گویای نظرات و ادراکات مشترک آنان از طلاق نیز هستند. همچنین به منظور اطمینان‌پذیری و تاییدپذیری مضامین استخراج‌شده و فرایند تحلیل داده‌ها، از نظرات ۲ نفر از متخصصان اجتماعی و تربیتی بهره برده شد. کدگذاری، مضامین و فرایند تحلیل داده‌ها مورد پذیرش متخصصان اجتماعی و تربیتی گرفت. متخصصان اجتماعی و تربیتی بیان داشتند فرایند تحلیل داده‌ها از هماهنگی و سازگاری درونی برخوردار است و توانسته است تصویر و نمایش نسبتاً روشن و دقیقی از ادراک دانشجویان از موضوع طلاق ارائه دهد.

یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های گردآوری شده به متن‌های نوشتاری تبدیل و پس از پالایش متن‌ها به شماره‌گذاری متن‌ها اقدام شد. سپس متن‌های دانشجویان از طلاق کدگذاری شد. پس از کدگذاری متن‌ها، مفاهیم و عبارت‌هایی که مشابه و هم معنی بودند در یک مضمون دسته‌بندی گردیدند. از بررسی و ادغام کدها، ۴ مضمون اصلی مجاز در اسلام، رهایی و نجات، آخرین راه‌حل منطقی و مانع از آسیب استخراج شد که در جدول زیر نشان داده شده است. در ادامه مضامین استخراج‌شده بر اساس گزارشی روایی توضیح داده شده است.

¹Trustworthiness

² Credibility

³ Transferability

⁴ Dependability

⁵ Confirmability

⁶ Validity

⁷ Reliability

⁸ Objectivity

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

جدول ۲: کدها و مضامین استخراج شده

مضامین	کدها
مجاز در اسلام	حرام نبودن، منفورترین حلال، قانونی و شرعی، جایز در دین، بسته نبودن در اسلام، جایز دانستن خدا، آخرین راه حل از نظر اسلام
رهایی و نجات	نجات از سختی‌ها؛ نجات از شرایط بد، رها شدن از محدودیت، رهایی از مشکلات، نجات‌بخش، راه نجات، پایان دادن به فشارها، نجات از تنش‌ها و فشارها
راه حل منطقی	آخرین گزینه، آخرین راه، تلخ اما بهترین کار، راه حل معقول، راه‌حلی برای حل مشکلات، تنها راه حل، پایان داده به زندگی اشتباه، گزینه خوب، تصمیم درست و عقلانی، عاقلی، عادی و عقلانی
مانع از آسیب	جلوگیری از فساد تباهی، مانع از آسیب روحی و روانی، جلوگیری از آسیب به بچه‌ها، افسردگی زن، بروز مشکلات برای کودکان، به نفع فرزندان، جلوگیری از ضرر؛ بهتر شدن وضعیت

طلاق مجاز در اسلام

مشارکت‌کنندگان تحقیق، مجاز بودن طلاق در اسلام را با این مفاهیم توصیف نموده‌اند: حرام نبودن، منفورترین حلال، قانونی و شرعی، جایز در دین، بسته نبودن در اسلام. جایز دانستن خدا، آخرین راه حل از نظر اسلام.

پاسخگوی ۲ از استان اردبیل ۱۹ ساله بیان می‌کند:

«این کار ناشایست و حرام نیست.»

پاسخگوی ۱۰ از استان گیلان ۲۰ ساله در مورد شرعی و قانونی بودن طلاق اظهار می‌دارد:

«اگر این مورد در قانون و شرع قرار داده شده، حتما در شرایطی برای فاعلش ضروری بوده.»

پاسخگوی ۱۶ از استان آذربایجان غربی ۲۳ سال در مورد بسته نبودن راه طلاق در اسلام چنین می‌گوید:

«در اسلام راه طلاق به دلیل طبیعت زن و مرد به طور مطلق بسته نیست و اگر امکان ادامه زندگی نیست، نباید به زور زن و مرد را کنار هم قرار داد.»

پاسخگوی ۲۶ از استان آذربایجان غربی ۲۰ ساله نیز در مورد جایز بودن طلاق در اسلام چنین اضافه می‌کند:

«درست است که طلاق یکی از معضلات اجتماعی است، اما وقتی در دین هم جایز است و در مورد آن

سوره‌ای آمده است؛ مردم باید ذهنیت خود را راجع به این موضوع تغییر دهند.»

پاسخگوی ۳ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله در مورد جایز دانستن خدا چنین بیان می‌دارد:

«در صورت حل نشدن مشکلات زندگی مشترک، و حاد بودن موضوعی که باعث اختلاف شده و حتی اگر بودن با یک فرد باعث دوری انسان از آرامش و هدف اصلی زندگی اش می‌شود، در این صورت حتی خدا هم این کار را جایز دانسته است.»

پاسخگوی ۴ از آذربایجان شرقی ۲۰ ساله چنین بیان می‌دارد:

«از نظر اسلام باید تاجایی که امکان دارد از راه حل‌های یکدیگر برای رفع اختلافات زندگی مشترک استفاده کرد و طلاق یاجدایی را به عنوان آخرین گزینه در نظر گرفت.»

اگرچه نمونه‌های مورد بررسی مفاهیمی چون منفور بودن نزد خداوند و لرزاندن عرش الهی را به طلاق نسبت می‌دهند، اما معتقد بودند که با همه کراهتی که اسلام نسبت به طلاق دارد، آن را مجاز می‌داند. به نظر برخی از مشارکت‌کنندگان تحقیق، طلاق در اسلام با وجود آنکه منفور و مکروه دانسته شده و به آن توصیه نشده است، اما حرام و ممنوع نیز اعلام نشده است. بنابراین در شرایطی که امکان زندگی برای دو نفر فراهم نباشد می‌توانند به صورت قانونی و شرعی از یکدیگر جدا شوند.

طلاق راهی برای رهایی و نجات

برخی از مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقد بودند طلاق موجب رهایی و نجات زوجین از سختی‌ها و مشکلات زندگی می‌شود. آنها مضمون رهایی و نجات را با این مفاهیم بیان داشته‌اند: نجات از سختی‌ها؛ نجات از شرایط بد، رها شدن از محدودیت، رهایی از مشکلات، نجات‌بخش، راه نجات، پایان دادن به فشارها، نجات از تنش‌ها و فشارها.

پاسخگوی ۷ از استان آذربایجان غربی ۲۳ ساله در مورد طلاق گرفتن در زندگی مشترک چنین بیان می‌کند «در واقع طلاق برای همه اتفاق نمی‌افتد و هیچ‌کسی با هدف جداسدن وارد زندگی مشترک پا نمی‌گذارد، بلکه شرایطی در طول زندگی مشترک پیش می‌آید که افراد را به سمت طلاق می‌کشاند.»

پاسخگوی ۱۷ از استان البرز ۱۹ ساله در مورد طلاق چنین بیان می‌کند:

«به طور کلی نمی‌شود هر سختی و مشقتی را تحمل کرد، اما تن به طلاق نداد.»

پاسخگوی ۲ از استان اردبیل ۱۹ ساله در مورد رهایی از مشکلات چنین بیان می‌کند

«رفته رفته باورهای افراد(نسبت به طلاق) دارد تغییر پیدا می‌کند و الان بیشتر به این معناست که جوانان از مشکلات و اتفاقات ناگوار زندگی رهایی پیدا می‌کنند.»

پاسخگوی ۲۶ از آذربایجان غربی ۲۰ ساله در مورد جبران اشتباه با طلاق چنین بیان می‌کند:

«هر زن و مردی ممکن است در انتخاب شریک زندگی خود دچار اشتباه شود یا شرایط طوری رقم بخورد که مجبور به جدایی شود.»

پاسخگوی ۱۱ از استان گیلان ۲۳ ساله در مورد رهایی از محدودیت چنین بیان می‌کند:

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

«یکسری افراد بر این عقیده‌اند که جدا شدن باعث پیشرفت می‌شود، زیرا از آن محدودیت‌های که طرف مقابل ایجاد می‌کند، رها می‌شود.»

پاسخگوی ۱۲ از استان گیلان ۱۹ ساله در مورد نجات از شرایط بد چنین اظهار می‌کند:
«بعضی وقتها که ادامه زندگی مشترک امکان پذیر نیست؛ در چنین مواقعی فقط با طلاق است که می‌شود از شرایط بدی که در آن هست نجات پیدا کرد.»

پاسخگوی ۲۱ از استان البرز ۲۰ ساله در مورد راه نجات زوجین چنین بیان می‌کند:
«طلاق در برخی از موارد راه نجات زوجین از فضای پر از تنش و رهایی از آن است؛ به گونه‌ای که آنها می‌توانند در کنار افراد دیگر زندگی بهتری داشته باشند.»

پاسخگوی ۲۳ از استان زنجان ۲۱ ساله در مورد پایان دادن به تجربه تلخ زندگی مشترک چنین بیان می‌کند:
«به نظر من طلاق و پایان دادن به زندگی بعضی وقتها می‌تواند دردناک و عذاب آور باشد، ولی در عین حال برای بعضی دیگر شیرین است، زیرا فرار از سختی‌ها و فشارهای روانی زندگی تقریباً سخت است و با طلاق می‌توان یک مقداری از این فشار و تحمل زندگی مشترک و تجربه تلخ حاصل از آن پایان داد.»

پاسخگوی ۲۲ از استان زنجان ۲۲ ساله در مورد نجات‌بخش بودن طلاق چنین اظهار می‌دارد:
«قطعاً کسی دوست ندارد که طلاق بگیرد مگر که مجبور شود و در شرایطی که طرفین با هم مشکل داشته باشند، در اصل طلاق نجات‌بخش می‌شود.»

اظهارات مشارکت‌کنندگان تحقیق نشان می‌دهد که آنان همچون نسل گذشته طلاق را «عار» یا «مایه آبروریزی» نمی‌دانند. برعکس آنها بیان نموده‌اند که در مواقعی که سختی و مشکلات زندگی مشترک بسیار زیاد و غیر قابل تحمل باشد طلاق، راه رهایی و نجات از فشارها و سختی‌های زندگی است. اظهارات آنها نشان می‌دهد که آنها تحت هر شرایطی حاضر به ادامه زندگی مشترک نیستند و ازدواج میدانی برای «سوختن و ساختن» نیست. امروزه طلاق به یک قلمروی ارضای شخصی تبدیل شده است که در آن رفع نیازهای عاطفی و جنسی از اولویت برخوردار است. انتظار می‌رود که روابط زناشویی بر اساس علاقه متقابل و جذابیت شخصی و سازگاری بین زن و مرد برقرار شود. تاکید بر ارضای شخصی در ازدواج، انتظاراتی را مطرح می‌سازد که در صورت برآورده نشدن منجر به جدایی و طلاق خواهد شد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۴۳۴). بنابراین طلاق در هر ازدواجی امری محتمل است. چنانچه مصائب زندگی مشترک غیر قابل تحمل باشد و انتظارات شخصی و فردی آنها از ازدواج تامین نشود و از زندگی زناشویی رضایت نداشته باشند، طلاق و جدایی می‌تواند راه نجات و رهایی از مسائل و مشکلات زندگی محسوب شود. به اعتقاد آما^۱، امروزه

^۱ Amato

طلاق اغلب گزینش اختیاری افراد است و به نظر می‌رسد نسبت به گذشته عادی و عملی بهنجار انگاشته می‌شود و به گونه‌ای روزافزون اقدامی برای رهایی از تنش خانوادگی تلقی می‌گردد (ارجاع به آمانو، ۲۰۰۰)

طلاق آخرین راه حل منطقی

نمونه‌های مورد بررسی، مضمون آخرین راه حل منطقی را با این مفاهیم توصیف نموده‌اند: آخرین گزینه، آخرین راه، تلخ اما بهترین کار، راه حل معقول، راه حلی برای حل مشکلات، تنها راه حل، پایان داده به زندگی اشتباه، گزینه خوب، تصمیم درست و عقلانی، عادی و عقلانی.

پاسخگوی ۲۲ از استان زنجان ۲۰ ساله در مورد درست و منطقی بودن طلاق چنین بیان می‌دارد:

«در مواردی طلاق بسیار راه حلی درست و منطقی است».

پاسخگوی ۱۱ از استان گیلان ۲۳ ساله در مورد حل مشکل از طریق طلاق چنین بیان می‌کند:

«امروزه با پیشرفت سطح فکر جامعه اکثر مردم به این دید رسیده‌اند که اگر نمی‌توانند به هیچ وجه مشکل خود را حل کنند، از هم جدا شوند».

پاسخگوی ۱۵ از آذربایجان غربی ۲۳ ساله در مورد بهتر بودن طلاق به ادامه زندگی اظهار می‌کند:

«در زندگی مشترک هر دو طرف سعی می‌کنند که برای زندگی‌شان تلاش کنند تا پایدار بمانند، اما زمانی وجود دارد که در زندگی مشترک ماندن دو طرف به ضرر آنهاست. در این مواقع جدایی بهتر است».

پاسخگوی ۱۲ از گیلان ۱۹ ساله در مورد راه حل معقول طلاق چنین می‌گوید:

«گاهی اوقات آن قدر زندگی زناشویی با مشکل مواجه می‌شود که طلاق گرفتن تنها راه حل معقول به نظر می‌رسد».

پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله طلاق بهترین کار چنین بیان می‌کند:

«اصلاً به نظر من هر وقت ناسازگاری میان زن و شوهر پیش آید، طلاق بهترین کاری است که می‌شه کرد؛ چون یک زندگی پر از دعوا جلوی پیشرفت هر دو طرف را می‌گیرد و خیلی وقت‌ها هم این همه استرس و اضطراب در زندگی بیماری‌های مختلفی را به دنبال دارد. پس در این حالت‌ها طلاق کار خیلی خوبی به نظر می‌رسد و با اینکه تلخ است، می‌تواند در بعضی مواقع بهترین کاری باشه که میشه کرد.»

پاسخگوی ۱ از استان البرز ۲۰ ساله چنین بیان می‌کند:

«بنظر من در برخی شرایط بهترین راه برای پایان دادن به یک زندگی اشتباه، طلاق است».

پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله در مورد منطقی بودن طلاق چنین بیان می‌کند:

«طلاق خیلی منطقی‌تر از تحمل است. به نظر من، ما مجبور به تحمل کردن نیستیم».

پاسخگوی ۲۵ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله در مورد راه حل بودن طلاق چنین بیان می‌کند:

«طلاق یک آسیب اجتماعی یا اتفاق تلخ نیست، بلکه یک راه حل است برای برون رفت از مشکلات زندگی مشترکی که دیگر راهی برای آن نیست».

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

پاسخگوی ۲۹ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله در مورد گزینه خوب طلاق چنین اظهار می‌کند: «بنظر من اگر هر دو طرف تمام تلاش خود را برای بهتر کردن وضع زندگی مشترک به کار گیرند و نتوانند به آن چیزی که می‌خواهند برسند و ادامه زندگی با یکدیگر دشوار باشد ریهال طلاق می‌تواند گزینه خوبی باشد.»

پاسخگوی ۲۶ از آذربایجان غربی ۲۰ ساله طلاق بهترین انتخاب چنین اظهار می‌کند: «قرار نیست یک فرد به خاطر یک انتخاب اشتباه تمام عمر و زندگی خود را بدهد و تحمل کند. شاید برای برخی افراد بهترین انتخاب و تنها راه حلشان جدایی بوده و گرنه پایان دادن به زندگی مشترک برای هر کسی قطعاً دشوارتر از تصور خواهد بود.»

پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله در مورد راه‌حل بودن طلاق چنین بیان می‌کند: «طلاق راه حل مشکلات سختی است که توسط زن، شوهر و اطرافیان آنها قابل حل و فصل نبوده است.» با وجود آنکه مشارکت‌کنندگان تحقیق طلاق را واقعه‌ای تلخ، دردناک، عذاب‌آور و سخت تلقی می‌کنند اما اغلب آنها باور داشتند که طلاق می‌تواند منطقی‌ترین راه‌حل برای خروج از وضعیت بحرانی حاکم در خانواده باشد. آنها بیان نموده‌اند که در زندگی مشترک ممکن است شرایطی حاکم شود که ادامه زندگی ممکن نباشد و طلاق آخرین راه حل و تنها راه چاره برای برون‌رفت از آن شرایط باشد. در این باره جان برناردز^۱ (۱۳۹۶) معتقد است برای نسل‌های جوان‌تر طلاق بیشتر راه‌حل در نظر گرفته می‌شود تا معضل اجتماعی.

طلاق مانع برخی آسیب‌ها

نمونه‌های مورد بررسی طلاق را مانع آسیب‌هایی همچون: ضرورت، جلوگیری از فساد تباهی، مانع از آسیب روحی و روانی، همچون دارو، جلوگیری از آسیب به بچه‌ها، به نفع زوجین و بچه‌ها و مانع بروز مشکلات برای کودکان بیان کرده‌اند.

پاسخگوی ۹ از استان قزوین ۲۱ ساله اظهار می‌دارد: «درجایی که جان افراد در خطر باشد و مشکل بیش از اندازه حاد باشد، ظاهراً چاره‌ی کار طلاق است.»

پاسخگوی ۱۶ از آذربایجان غربی ۲۳ ساله در مورد طلاق چنین بیان می‌کند: «طلاق را اگر مستقل از اتفاقاتی که در کشورمان اتفاق بیفتد در نظر بگیریم، موضوعی کاملاً عادی و عقلانی است و شخصاً به نظرم حتی به سود دو طرف و حتی فرزند آنهاست، زیرا از مسائل و نزاع‌هایی که به طور حتم در آینده رخ می‌دهد و روی روان آنها تاثیر می‌گذارد جلوگیری می‌کند و آینده فرزند را به خطر نمی‌اندازد.»

پاسخگوی ۱۸ از استان کردستان ۲۰ ساله چنین بیان می‌دارد:

¹ Jon Bernardes

«گاهی زندگی زناشویی دچار تنش‌های شدید می‌شود و از هم فرو می‌پاشد و از نظر عقلی هیچ تردیدی وجود ندارد که گاهی روابط زن و شوهر به اندازه‌ای تباه و خراب می‌شود و به حدی از یکدیگر یا طرفی از دیگری متنفر می‌شود که امکان آشتی و مصالحه میان آنها وجود ندارد و تنها راه چاره و رهایی آنها از بند یکدیگر طلاق و جدایی است و این جدایی در جهت جلوگیری از نگرانی، سرگردانی، فساد و تباهی هرچه بیشتر صورت می‌گیرد.»

پاسخگوی ۱۰ از استان گیلان ۲۰ ساله طلاق را به دارو تشبیه می‌کند:

«طلاق را می‌توان به دارو تشبیه کرد؛ زمانی که ازدواج در معنی واقعی ناموفق است و از رسالت خود خارج شده و دیگر آرامش‌دهنده نیست، بلکه سلامت روانی و اجتماعی افراد را به خطر می‌اندازد، این جاست که گویی فرد به بیماری گرفتار گشته که ای کاش نمی‌گشت و باید سعی به خوددرمانی نیز یکنند اما اگر نشدنی بود، به سراغ این داروی با عوارض بالا برود. پس ما طلاق درست نیز داریم.»

پاسخگوی ۱۱ از استان گیلان ۲۳ ساله چنین بیان می‌کند:

«طلاق گرفتن بجا هنگامی که تلاش زوجین بی‌فایده باشد، توصیه می‌شود؛ زیرا اگر دوانسان نتواند سر مشکلات به تفاهم برسد چه بسا که اگر همدیگر را تحمل کنند از لحاظ روحی بیشتر اذیت می‌شوند.»

پاسخگوی ۲۵ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله چنین اظهار می‌کند:

«در مواقعی دو فرد پس از گذشت زمان متوجه می‌شوند اصلاً هیچ نقطه مشترک و تفاهمی باهم ندارند و ادامه دادن این زندگی مشترک نه تنها سودی برای آنها ندارد، بلکه باعث آسیب‌های روحی روانی در هر دو طرف می‌شود، گاهی ادامه دادن زندگی مشترک به اجبار باعث آسیب‌های اجتماعی نظیر خیانت و اعتیاد و... می‌شود نه طلاق!».

پاسخگوی ۱۳ از استان البرز ۲۰ ساله چنین اظهار می‌دارد:

«در خیلی از خانواده‌ها پدر و مادر بخاطر فرزندشان از هم جدا نمی‌شوند، در حالی که ذاتاً کنار هم نیستند؛ یعنی کنار هم آرامش خاطر ندارند و رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که اگر جدا زندگی کنند، بیشتر به نفع فرزندشان است تا اینکه باهم در مکانی مشترک زندگی کنند و با رفتارهای خود آرامش روانی فرزندشان را مختل کنند.»

پاسخگوی ۲۹ از آذربایجان شرقی ۲۱ ساله چنین می‌گوید:

«پدر و مادرهایی هستند که با وجود اختلافات بسیار بخاطر فرزندان خود پای زندگی با یکدیگر مانده‌اند و

فرزندان آنها دچار مشکلات روحی و روانی بسیاری است...»

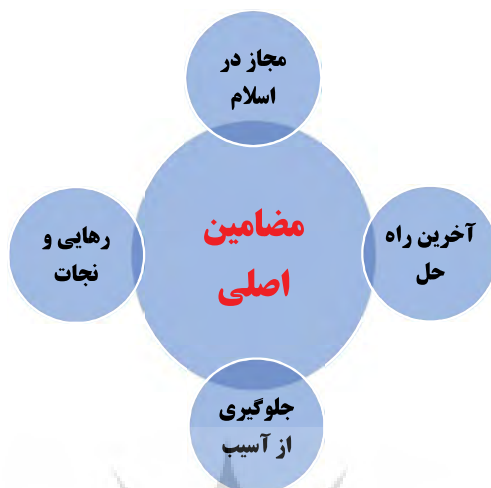
پاسخگوی ۲۶ از آذربایجان غربی ۲۰ ساله چنین بیان می‌کند:

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

«درست است که فرزندان طلاق از نظر روحی و اجتماعی آسیب‌های بسیار زیادی می‌بینند ریال اما می‌توان با کمک گرفتن از مشاور و توافق بین پدر و مادر این آسیب‌ها را به حداقل رساند که این آسیب‌ها در برابر آسیب زندگی میان دو پدر و مادر که مدام باهم مشکل دارند و جو خانه که همیشه متشنج است، هیچ است.» با وجود آنکه اغلب دانشجویان به پیامدهای و آسیب‌های ناگوار فردی و اجتماعی طلاق و نگاه بد جامعه به آن آگاهی داشتند، اما در برخی مواقع طلاق را ضرورتی می‌دانستند که مانع آسیب‌های بیشتر به زوجین و فرزندان می‌شود. ازدواج از نظر نمونه‌های مورد بررسی امری گسستنی است و طلاق در مواقعی که سلامت جسمی و روحی زوجین و بچه‌ها در خطر است، بر حفظ زندگی اولویت دارد. طلاق می‌تواند به مشاجرات بی‌پایان و مخرب خانوادگی پایان دهد و کودکان را از استرس نگرانی و اضطراب نجات دهد. به عبارت دیگر، در خانواده‌ها اصل سلامت جسمی و روحی زوجین و فرزندان آنهاست و در صورتی که این اصل در زندگی مشترک به خطر بیفتد، طلاق می‌تواند به عنوان یک ضرورت بکار آید. انچنان که اماتو معتقد است طلاق می‌تواند زمینه‌ساز زندگی شادتری برای بزرگسالان و نجات کودکان از محیط نامطلوب چنین خانواده‌هایی شود (اماتو، ۲۰۰۰). چنانچه تلقی از طلاق این باشد که این امر به شرایط مشاجره در خانواده پایان می‌دهد و کودکان را از استرس و نگرانی دور می‌کند، در این صورت نمی‌تواند امری مذموم و ناپسند تلقی شود.

بحث و نتیجه‌گیری

طی دهه‌های گذشته طلاق بیش از هر عامل دیگری خانواده‌های ایرانی را تهدید می‌کند. تحقیقات بین‌نسلی نشان می‌دهد که نگرش نسل جوان به‌خصوص زنان نسبت به طلاق تغییر یافته و این تغییر نگرش به افزایش طلاق در جامعه منجر شده است. بررسی ادراکات و نظرات نسل جوان به‌ویژه دختران جوان می‌تواند درک و فهم دقیق‌تری از نظرات و دیدگاه‌های آنان از طلاق در اختیار ما قرار دهد. بنابراین این پژوهش در پی پاسخ به این سوال بود که دانشجویان دختر چه درکی از طلاق دارند؟ نمونه‌های مورد پژوهش به صورت هدفمند از دختران دانشجوی دانشگاه فرهنگیان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و به منظور تحلیل اطلاعات از تکنیک تحلیل مضمون استفاده گردید. ادراکات و تصورات دانشجویان از طلاق در چهار مضمون مجاز در اسلام، رهایی و نجات، آخرین راه‌حل و جلوگیری از آسیب دسته‌بندی شدند.



نمودار مضامین استخراج شده

در مضمون مجاز در اسلام، دانشجویان معتقد بودند که با وجود آنکه طلاق در اسلام مکروه و منفور بوده و توصیه نشده، اما ممنوع و حرام نیز اعلام نگردیده است؛ به طوری که در شرع اسلام طلاق در مواردی و شرایطی جایز است.

در مضمون رهایی و نجات، دانشجویان اظهار داشتند که اگر زندگی مشترک چنان سخت و دشوار شود که مرد و زن را در زندگی خانوادگی دچار محرومیت و محدودیت کند، طلاق می تواند راه نجات و رهایی از آن وضعیت باشد. با توجه به اینکه نمونه های مورد بررسی از حقوق ماهیانه برخوردار و دارای نوعی امنیت شغلی نیز هستند، ارزش اقتصادی ازدواج برای آنها کمتر شده و ارزیابی آنها از ازدواج و طلاق بر حسب رضایتمندی و خرسندی شخصی آنها از دوام این رابطه است. بنابراین اگر چنانچه یک ازدواج با خرسندی و رضایت شخصی همراه نباشد و به انتظارات فردی و اجتماعی آنها پاسخ ندهد و از سوی دیگر همراه با مسائل، سختی ها و مشکلاتی باشد که موجب محدودیت و محرومیت آنها شود، می تواند گسستی و پایان پذیر باشد. داشتن شغل و درآمد نوعی توانایی در تصمیم گیری برای دختران دانشجو فراهم می سازد و این فرصت برای آنها مهیاست که در انتخاب همسر و ازدواج و طلاق از استقلال و آزادی بیشتری برخوردار باشند. اشتغال و کسب درآمد همچنین منجر به اعتماد به نفس زیاده تر زن شده و استقلال اجتماعی روان شناختی وی را افزایش می دهد و ضمن ایجاد استقلال اقتصادی برای زنان، هزینه طلاق را برای آنها کم می کند. (علی مندگاری و همکاران، ۱۳۹۱) بنابراین از دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش، طلاق نقطه پایانی برای زندگی تلقی نمی شود و می تواند اتفاقی نجات بخش و فرصتی برای ساختن زندگی بهتر باشد.

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

در مضمون آخرین راه حل منطقی، مشارکت‌کنندگان تحقیق طلاق را به عنوان آخرین راه حل تلقی نموده‌اند. آنها اظهار داشتند در صورتی که در زندگی مشترک، مشکلات و مسائل زوجین به حدی باشد که برای آنها قابل تحمل نباشد طلاق می‌تواند بهترین راه حل منطقی باشد. افزایش تحصیلات دختران و زنان موجب افزایش رویکرد منطقی و عقلانی به زندگی خانوادگی می‌شود. تحصیلات خودبه‌خود سبب تغییر رفتار نگرش و انتظارات و باورهای فرد درباره امور مختلف جامعه و بازنمایی آنان نسبت به نقش‌های جنسیتی و انتظارات خانوادگی می‌شود. در وضعیتی که برابری جنسیتی یکی از انتظارات و خواسته‌های اصلی زنان در خانه تلقی می‌شود، احساس بی‌عدالتی نسبت به تقسیم کار خانگی، رضایت شخصی زنان را از زندگی زناشویی کاهش می‌دهد و باعث می‌شود بیش از مردان به طلاق بپنداشند. بنابراین تلقی آنها از طلاق و ازدواج امری مشروط و اختیاری می‌شود و طلاق می‌تواند امری محتمل و راهی برای پایان دادن به یک زندگی اشتباه باشد. همچنین افزایش طلاق‌ها در جامعه و عادی تلقی شدن این رفتار موجب شده است که بسیاری از دختران و زنان طلاق را امری عقلانی و عادی پنداشته و راه‌حلی برای پایان دادن به مسائل خویش در زندگی مشترک تلقی کنند.

در مضمون طلاق مانع آسیب، نمونه‌های مورد بررسی اظهار داشتند که طلاق می‌تواند مانع آسیب‌های بیشتر جسمی، روحی روانی و اجتماعی برای زوجین و فرزندان‌شان باشد. بنابراین طلاق تصمیمی است که می‌تواند جلوی ضررها و آسیب‌های بیشتر را بگیرد. در فرهنگ سنتی و عامه ایرانیان زن و شوهرها به‌ویژه زنان را به نهایت بردباری، گذشت و سازگاری نسبت به همسر فراخوانده است و رعایت این رفتارها نوعی ارزش اجتماعی به حساب می‌آید و حال آنکه از طلاق و جدایی به‌عنوان منفورترین حلال‌ها و یک ضد ارزش یاد می‌شود. سازگاری با همسر و تحمل برای حفظ زندگی یا تحمل به خاطر فرزندان، توصیه‌ها و اندرزهایی بود که بزرگان و ریش‌سفیدان خانواده به زوجین جوان داشتند. (فروتن، ۱۳۷۹: ۵۲) به نظر می‌رسد تغییر وضعیت زنان در حوزه خانواده این اعتقاد و باور سنتی و عامیانه را در ذهنیت و باور زنان و دختران امروزی تضعیف کرده است.

تحولات فرهنگی و اجتماعی همچون گسترش فرهنگ فردگرایی و تفکرات فمینیستی همراه با افزایش تحصیلات و اشتغال زنان و استقلال اقتصادی و مالی و نیز دسترسی به فضای مجازی و گردش اطلاعات، ذهنیت زنان به نقش‌های جنسیتی، ازدواج و تشکیل خانواده و طلاق را تغییر داده است. آنان در پی آنند که وضعیت «سوختن و ساختن در خانه» را به عرصه «مذاکره و چانه‌زنی بین زوجین» تبدیل سازند. الگوی خانواده سنتی «مرد نان‌آور و زن خانه‌دار» تغییر یافته است و زنان خواهان عاملیت و تاثیرگذاری بیشتری در روابط اجتماعی و خانوادگی هستند. سهم عاملیت ارادی و انتخابی (زنان) در برابر ساختارها و نهادها افزایش یافته و تاثیر یکجانبه و تعیین‌کننده ساختارها و نهادها بر زنان کاهش یافته و آنها را از وضعیت

منفعل، به طرف مذاکره تبدیل کرده است. خانواده به عنوان نخستین مکان هویت‌سازی و محل بازتولید جنسیت، اکنون محل استقرار افرادی است که نظم جنسی و جنسیتی موجود در آن را به پرسش کشیده و به توسعه خود در برابر نهاد خانواده اقدام کرده‌اند (عرب خراسانی، ۱۳۹۹: ۸۴) در مورد طلاق نیز مشارکت‌کنندگان تحقیق موضعی فعالانه به آن داشتند. آنها طلاق را نه آسیب اجتماعی، بلکه راه‌حلی منطقی برای رهایی و نجات از مصائب زندگی مشترک می‌دانند برخی از آنها باور داشتند که «طلاق بهتر از تحمل کردن» است. نتایج این تحقیق با یافته‌های عرب خراسانی (۱۳۹۹) و چابکی (۱۳۹۱) و علی‌مندگاری و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. همچنین در مورد تغییر نگرش زنان به طلاق، یافته‌های پژوهش فروتن و میرزایی (۱۳۹۵)، فلاحی گیلان و همکاران (۱۳۹۱) و صادقی (۱۳۹۵) را تایید می‌کند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد با توجه به تغییرات صورت گرفته در وضعیت زنان در جامعه و درون خانواده، منطق تشکیل خانواده و ازدواج و طلاق در ذهنیت و باورهای زنان تغییر یافته است. زنان در حال بازاندیشی در نقش‌های جنسیتی خود در خانواده‌های سنتی هستند. آنها در پی این هستند تا جایگاه برابر و عادلانه‌ای در خانه و جامعه داشته باشند. بدین ترتیب از منابع اقتصادی و فرهنگی خویش در جهت کنشگری فعال در برقراری روابط عادلانه و برابر در جامعه و زندگی خانوادگی بهره می‌برند.

منابع

- استروس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۳). اصول و روش تحقیق کیفی. بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- برناردز، جان. (۱۳۹۶). درآمدی بر مطالعات خانواده. حسین قاضیان. تهران: انتشارات نی
- بگی، میلاد و حسنی، حاتم. (۱۴۰۰). «تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چندسطحی». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. س ۱۰ ش ۳ (۳۴)، صص ۲۳-۴۴
- تقوی، نعمت‌اله. (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات پیام نور
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. تهران: انتشارات نی
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۴۰۰). دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت، صفحه داده‌های آمارهای حیاتی.
- صادقی، رسول؛ ابراهیمی، مرضیه و زنجری، نسیم. (۱۳۹۵). «واکاوی ادراک جوانان از تجربه طلاق: مطالعه کیفی در شهر تهران». بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۷ (۲)، صص ۱-۲۸.
- صادقی، رسول. (۱۳۹۶). «نگرش نسبت به پیامدهای طلاق و تاثیر آن بر تمایل زوجین جوان به طلاق در شهر تهران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۶، شماره ۳۸، صص ۲۰۵-۲۲۲.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایناری، مریم. (۱۳۹۱). «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی». فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۱، شماره ۳، صص ۵-۳۰.
- حسنی، محمدرضا؛ هدایتی، منصوره و محمدزاده، فاطمه. (۱۳۹۶). «فرا تحلیل مطالعات انجام شده درباره نگرش به طلاق در سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۴». مجله مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۳، صص ۱۲۶-۱۵۱.
- چابکی، ام‌البتین. (۱۳۹۲). «مطالعه بین‌نسلی رابطه نگرش به طلاق و کارکردهای خانواده در زنان شهر تهران». مطالعات زن و خانواده. دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۸۵.

بررسی ادراکات دختران جوان از طلاق (نمونه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان)

- زارعان، منصوره و سدیدپور، سمانه سادات. (۱۳۹۵). «فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق رویارویی عوامل فردی و اجتماعی». بررسی مسائل اجتماعی ایران. س ۷، ش ۲، صص ۱۹۱-۲۱۸.
- عرب، سید محمد؛ ابراهیم زاده پزشکی، رضا و مذوتی شریف‌آبادی، علی. (۱۳۹۳). «طراحی مدل فراترکیب عوامل موثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین». مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران. س ۱۰، ش ۴، صص ۱۰-۲۲.
- عرب خراسانی، سمیه. (۱۳۹۸). «جنسیت و جدایی: روایت زنانه». مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. سال ۱۷، شماره ۱، صص ۳۵-۶۲.
- علی مندگاری، ملیحه؛ قاضی طباطبایی، محمود و ساداتی، سید محمد. (۱۳۹۵). «آزمون مدل نظری مفهومی تمایل زوجین به طلاق در شهر تهران». دو فصل‌نامه مطالعات جمعیتی. دوره ۱، شماره ۱، صص ۶۱-۹۳.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۹۹). هنر انجام پژوهش کیفی از مسئله‌یابی تا نگارش. تهران: انتشارات آگاه
- سهراب زاده، مهران؛ شعاع، صدیقه؛ نیازی، محسن و موحد، مجید. (۱۳۹۸). «بازاندیشی نقش‌های جنسیتی زنانه و تعیین‌کننده‌های فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر شیراز)». مجله زنان و خانواده. سال ۱۴، شماره ۴۹، صص ۸۷-۱۱۱.
- فیروزجاییان گلوگاه، علی‌اصغر و صادقی، سهیل. (۱۳۹۷). «فرا تحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه طلاق در ایران». مطالعات زن و خانواده. س ۶، ش ۲، صص ۱۱۱-۱۴۳.
- فولادیان، مجید و شجاعی قلعه نی، مینا. (۱۳۹۹). «مطالعه جامعه‌شناختی فرایندهای وقوع طلاق». فصل‌نامه خانواده‌پژوهی. سال ۱۶، شماره ۶۲، صص ۲۳۱-۲۵۷.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام و جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران». مطالعات راهبردی زنان. ش ۵۳، صص ۱۲۹-۱۶۲.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام و جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). «مرور نظام‌مند سه دهه تحقیقات انجام‌شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۷۶-۱۳۹۰)». زن در توسعه و سیاست. س ۹، ش ۳، صص ۱۱۱-۱۳۱.
- کرمی، فرشاد و البرزی، صدیقه. (۱۳۹۷). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به طلاق در شهر شیراز». دو فصل‌نامه مطالعات جمعیتی. دوره ۴، ش ۱، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- فلاحی گیلان، روح اله؛ روشنفکر، پیام و پور کسمایی، مریم. (۱۳۹۱). «بررسی بین‌نسلی نگرش به طلاق در استان زنجان». فصل‌نامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی. س ۱، ش ۲، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- فروتن، یعقوب. (۱۳۷۹). «ملاحظات جمعیتی در فرهنگ عامه ایران». فصل‌نامه جمعیت. شماره ۳۱، صص ۴۶-۶۹.
- فروتن، یعقوب و میرزایی، سمیه. (۱۳۹۵). «نگرش به طلاق و تعیین‌کننده‌های آن در ایران». دو فصل‌نامه جمعیت. دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۹۳-۲۲۵.
- گودزی، محسن. (۱۳۹۴). «نگرش زنان به هنجارهای خانوادگی و آگاهی‌های جنسیتی». تحلیلی از یافته‌های پیمایش ملی گزارش وضعیت زنان در ایران. تهران: نشر نی
- فیلیک، اووه. (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی. هادی جلیلی. تهران: انتشارات نی
- ملتفت، حسین؛ شهرپی، داود و محبی میمند، مهیار. (۱۳۹۹). «پویایی طلاق در ایران ۱۳۸۳-۱۳۹۳». فصل‌نامه خانواده‌پژوهی. س ۱۶، ش ۶۴، صص ۵۴۷-۵۶۸.
- محبی، فاطمه. (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی طلاق. از کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده. تهران: پیام عدالت
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۳). «بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه شهر تهران (یک مطالعه پدیدارشناسی)». فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. (۱)۴، صص ۱۳۵-۱۷۲.
- مرادی، علی و فرخی، ماندانا. (۱۴۰۰). «عوامل اجتماعی موثر بر نگرش افراد به مقوله طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل اسلام آباد غرب)». مجله زن و مطالعات خانواده. سال ۱۳، شماره ۵۱، صص ۷۹-۱۰۱.

- محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۶). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی. تهران: نشر ورجاوند
- موسوی، مهری سادات. (۱۳۹۵). «بازنمایی معنایی طلاق توافقی». خانواده‌پژوهشی. س ۱۲، ش ۴۶، صص ۲۸۷-۳۰۴.
- نیازی، محسن؛ عسگری کویری، اسما، الماسی بیگدلی، احسان؛ نوروزی، میلاد و نورانی، الناز. (۱۳۹۶). «فرا تحلیل و تحقیقات درباره عوامل مرتبط با طلاق در ایران برای دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۶». مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان. س ۱۵، ش ۴، صص ۱۷۷-۲۰۲.
- یحیی زاده، حسین؛ حامد، محبوبه. (۱۳۹۴). «مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود». مطالعات زن و خانواده. س ۳، ش ۲، صص ۹۱-۱۲۰.
- Aghajanian, A., & Thompson, V. (2013). "Recent Divorce Trend in Iran". Journal of Divorce & Remarriage, 54(2), 112-125.
- Amato, P. R. (2000). "The Consequences of Divorce for Adults and Children". Journal of Marriage and the Family, 62(6), 1269-1287.
- Amato, P., & Denise, P. (2003). "People's Reasons for Divorcing: Gender, Social Class, the Life Course, and Adjustment". Journal of Family Issues, 24(5), 602-626.
- Amato, P. R., & Keith, B. (1996). "Parental Divorce and the Well-Being of Children: A Meta-Analysis". Psychological Bulletin, 110(1), 26-46.
- Rootalu, K. & Kasearu, K. (2016). "Adolescents' Attitudes Toward Divorce: Does Parental Influence Matter in a Changing Society". Journal of Divorce and Remarriage, Vol. 57: 195-211.
- Oppenheim Mason, K. & Jensen. A. (1995). Gender and family change in industrialized countries. Oxford: Clarendon Press
- Sadeghi, R., & Aghajanian, V. (2019). "Attitude and propensity to divorce in Iran: Structural and ideational determinants". Journal of Divorce & Remarriage, 1-22.
- Lincoln, Y.S. and Guba, E.G. (1985). Naturalistic Inquiry. London; SAGE
- Braun, V. & Clarke, V. (200۶). "Using thematic analysis in psychology". Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Diaz, N., Molina O., MacMillan, T. Duran, L & Swart, E. (2013). "Attitudes toward Divorce and Their Relationship with Psychosocial Factors among Social Work Students". Journal of Divorce and Remarriage, Vol. 54: 505-518.
- Kwan, L., L. Mellor, D. Rizzuto, L. Kolar, C. Mamat, Norul Hidayah Bt. (2013). "The Relationship between Perceived Interparental Conflict and Malaysian Young Adults' Attitudes toward Divorce". Journal of Divorce and Remarriage, V 54: 596- 607.
- Whitton, Sarah W. Stanley, Scott M. Markman, Howard J. Johnson, Christine A. (2013). "Attitudes Toward Divorce, Commitment, and Divorce Proneness in First Marriages and Remarriages", Journal of Remarriage and family, Vol. 75 (2): 276-287.
- Weitzman, L. (1985). The divorce revolution: the unexpected social and economic consequences for women and children in America. New York: Free Press.